

نگاهی به اسناد روایات تفسیر مجاهد

نصرت نیل ساز^۱

الهام زرین کلاه^۲

چکیده

مجاهد بن جبر از معروف ترین مفسران تابعی در قرن دوم و از موثق ترین شاگردان ابن عباس است. تفسیر وی تنها تفسیر باقی مانده از دوران تابعین است. از مجموع ۲۱۳۰ روایت که در این تفسیر آمده، ۱۷۳۰ روایت آن با سند مشهور عبدالرحمن - ابراهیم - آدم - ورقاء - ابن ابی نجیح به مجاهد ختم می شود. سایر روایات با اسناد دیگر به پیامبر ﷺ، ائمه اطهار، صحابه و تابعین می رسد. پس از سند مشهور، بیشترین روایت با سند «آدم - مبارک بن فضاله - حسن بصری» آمده است. پدیده عجیب در این تفسیر، این است که از آغاز سوره قلم تا آغاز سوره رسالات تنها یک روایت با سند مشهور آمده است. در اسناد این تفسیر کاستی هایی از جمله اشتباه آوردن نام افراد، حذف شدن سند و... دیده می شود.

واژگان کلیدی: مجاهد بن جبر، تفسیر مجاهد، اسناد، روایات، سند مشهور.

درآمد

قرآن کریم به عنوان معجزه جاودان پیامبر ﷺ و قانون اساسی اسلام نیازمند تفسیر و تبیین است. از این رو نخست پیامبر ﷺ خود تفسیر این کتاب الهی را آغاز کردند و پس از ایشان صحابه ای همچون ابن عباس، ابی بن کعب، ابن مسعود و در ادامه تابعین در تفسیر قرآن

۱. استاد یار دانشگاه تربیت مدرس

۲. ارشد علوم قرآن و حدیث

شهرت یافتند. تفاسیر نقل شده از این دوران در غالب احادیث با ذکر سلسله سند راویان به ما رسیده است. از این رو این تفاسیر در درجه اول، تفسیر روایی محسوب می‌شوند. یکی از این تفاسیر، تفسیر مجاهد بن جبر به روایت ابن ابی نجیح است. این تفسیر تنها تفسیر باقی مانده از دوران تابعین است که با نقل سلسله راویان که به مجاهد و غیر او ختم می‌شود، به دست ما رسیده است. قابل ذکر است که در رابطه با مجاهد و سایر راویانی که در سلسله سند روایات این تفسیر موجود است، توثیقاتی ذکر شده که این توثیقات از دیدگاه خود اهل سنت است و ممکن است برخی از آنان از دیدگاه شیعه اعتبار کافی را نداشته باشد. از آنجایی که مجاهد از صاحب‌نظران در تفسیر قرآن و در واقع از کسانی است که بنیانگذار اجتهاد در تفسیر آیات بوده، روایاتی که از وی در این تفسیر آمده از منظر بیان مباحث مختلف از جمله مباحث علوم قرآنی، روش‌ها و گرایش‌های تفسیری مفسر، دیدگاه‌های کلامی و فقهی و... حائز اهمیت می‌باشد، لذا با توجه به جایگاه مهم این روایات در تفسیر قرآن، بررسی اسناد روایات آن ضرورت می‌یابد. از این رو در این مقاله با توجه به این مهم، برآنیم که به بررسی اسناد این تفسیر با معرفی شخصیت رجالی راویان مشهورترین سند آن پردازیم. اما قبل از آن، نگاهی به این تفسیر و معرفی اجمالی آن لازم است.

معرفی تفسیر مجاهد

افزون بر روایات و آرای تفسیری فراوانی که در منابع شیعی و سنی از مجاهد نقل شده، تفسیری مستقل نیز به وی منسوب است. به گزارش سزگین تاکنون تنها یک نسخه خطی متعلق به سال ۵۴۴ ه.ق با عنوان تفسیر مجاهد به شماره ۱۰۷۵ در دارالکتب المصریة قاهره یافت شده است. (تاریخ نگارش‌های عربی، ج ۱، ص ۶۶ و ۶۷) این تفسیر به سال ۱۳۶۷ ه.ق (با تحقیق عبدالرحمن الطاهر بن محمد السورتی در اسلام آباد، در سال ۱۴۱۰ ه.ق با تحقیق محمد عبدالسلام ابوالنیل در امارات متحده عربی و به سال ۱۴۲۶ ه.ق با تحقیق ابو محمد سیوطی، در بیروت چاپ شده است. این نسخه، مشتمل بر تفسیر تمام سوره- به جز سوره حمد، صف، انفطار و کافرون- است، اما تفسیر همه آیات را در بر نمی‌گیرد. این تفسیر عمدتاً به روایت ابن ابی نجیح می‌باشد و به نام او شهرت یافته است. در سند مشهور این تفسیر، عبدالرحمن بن حسن بن احمد همدانی (۳۵۲ م) از ابراهیم بن حسین همدانی (۲۸۱ م) از آدم بن ایاس (م ۲۲۰) از ورقاء بن

یشکری (م ۱۶۰) از ابن ابی نجیح (م ۱۳۱) از مجاهد روایت می‌کند. از ۲۱۳۰ روایت موجود در این تفسیر، تنها ۱۷۳۰ روایت با سند مذکور، حاوی آرای تفسیری مجاهد است. سایر روایات که به مراجع دیگر می‌رسد، توسط آدم بن ابی ایاس به این تفسیر افزوده شده است (تحلیل دیدگاه‌های خاورشناسان در مورد آثار تفسیری منسوب به ابن عباس، ص ۱۲۰ و ۱۲۱).

در این نسخه روایات به ترتیب سور سامان یافته و برای هر روایت، جز در موارد معدود، سند به طور کامل ذکر می‌شود. در ابتدای هر سوره به نام آن سوره اشاره می‌شود که گاه با نام مشهور تفاوت دارد، مانند این که سوره تحریم، «متحرم» نامیده شده است. در برخی موارد، همه یا قسمتی از آیه نخست به عنوان نام سوره آمده مثلاً سوره بلد «لا اقسام بهذا البلد» نامیده شده است. در مواردی هم حروف مقطعه و قسمتی از آیه بعد، نام سوره قرار داده شده، مثلاً سوره سجده را «الم تنزیل السجده» نامیده است. بلافاصله پس از نام سوره با ذکر سلسله سند، تفسیر آیات آغاز می‌شود. گاه بدون ذکر آیه، تفسیر آن آورده شده است (تفسیر مجاهد، ج ۱، ص ۷۶). در برخی موارد ترتیب آیات رعایت نشده، مثلاً ابتدا آیه ۱۰۱ سوره بقره تفسیر شده است و سپس آیه ۸۰ آن (همان، ج ۱، ص ۸۳ و ۸۴، ۹۲، ۹۳، ۹۷ و...). گاه یک آیه و تفسیر آن تکرار شده است (همان، ص ۷۲، ۷۳، ۷۵ و ۷۶).

قابل ذکر است الفاظی که در ابتدای احادیث نسخه خطی تفسیر مجاهد به کار رفته، غالباً «أنا» است؛^۱ در مواردی هم «أنبانا» آمده است. لفظی هم که در ارتباط بین راویان سلسه سند به کار رفته، عبارت از: «نا»، «ثنا»، «عن»، «حدثنا» است. هم‌چنین در مواردی مانند سوره اعراف، توبه، صافات، قمر، نازعات و ... در ابتدای تفسیر سوره، نام راویان سند به طور کامل آمده است.

تنوع سندها

با توجه به این که همه روایات تفسیر مستقل مجاهد، به وی ختم نمی‌شود. از این رو در این تفسیر با تنوع اسناد روبرو هستیم. این نسخه شامل ۲۷۱ سند برای ۲۱۳۰ روایت است که سه راوی نخست، یعنی عبدالرحمن بن حسن بن احمد همدانی (م ۳۵۲)، ابراهیم بن حسین همدانی (م ۲۸۱) و آدم بن ابی ایاس (م ۲۲۰)، در همه سندها، جز چهار سند^۲ که هر کدام یک بار آمده است (تفسیر مجاهد و روش شناسی آن، ص ۱۱۵) مشترک است.

۱. در کتاب‌های متأخرین، برای تعبیر از «حدثنا»، «أخبرنا» و هم‌چنین «حدثتی» و «أخبرتی» علائم اختصاری خاصی وضع شده است. به این صورت که (ثنا) و (نا) در «حدثنا»، (أنا) در «أخبرنا» به کار می‌رود (درایة‌الحديث، ص ۴۷).

۲. این سندها عبارتند از: ۱. ابراهیم - سنید بن داود - حجاج - ابن جریج - عبدالله بن کثیر - محمد بن کعب قرظی (تفسیر مجاهد، ج ۱، ص ۲۹۷)؛ ۲. ابراهیم - هشیم و ورقاء - سلیمان شیبانی - ابن ابی اوفی (همان، ج ۱،

سندهای منتهی به مجاهد

۱. سند مشهور

همان‌طور که ذکر شد، بیشتر روایات این تفسیر که شامل ۱۷۰۰ روایت است، با سند عبدالرحمن بن حسن بن احمد همدانی از ابراهیم بن حسین همدانی از آدم بن ابی‌ایاس از ورقاء بن عمر یشکری از ابن ابی‌نجیح به مجاهد منتهی می‌شود که در واقع مشهورترین سند تفسیر مجاهد است. از این رو لازم است در ابتدا شخصیت رجالی راویان این سند را مورد بررسی قرار دهیم.

ابوالحجاج مجاهد بن جبر مکی مخزومی

در سال ۲۱ هجری در زمان خلافت عمر بن خطاب، در مکه به دنیا آمد (تهذیب التهذیب، ج ۱۰، ص ۴۳). در مورد نام پدر او اختلاف وجود دارد. برخی او را «خیر» (الکنی و الالقاب، ج ۱، ص ۱۴۴)، برخی به صورت مصغر «جبیر» (الاصابه، ج ۶، ص ۲۱۸)، اما اکثراً او را «جبر» (به فتح جیم و سکون باء) نامیده‌اند (تهذیب التهذیب، ج ۲، ص ۱۵۹) آورده‌اند. در مورد پیوند ولایی او نیز اختلاف نظر است. سفیان ثوری (تاریخ دمشق، ج ۵۷، ص ۲۰) ولای او را «بنی‌زهره»، احمد بن حنبل (سیر أعلام النبلاء، ج ۴، ص ۴۵۳)، بخاری و مسلم (تهذیب التهذیب، ج ۲، ص ۱۵۹) «عبدالله بن السائب»، حمیدی (همان) «قیس بن السائب» و برخی هم «سائب بن ابی سائب» (طبقات الکبری، ج ۵، ص ۴۶۶) دانسته‌اند. کنیه مجاهد، ابوالحجاج است (همان). او را به اوصافی چون المحدث، الفقیه، امام التفسیر، المقری و ... ستوده‌اند (الثقات، ص ۱۳۴؛ میزان الاعتدال، ج ۳، ص ۴۳۹). عمر طولانی مجاهد موجب شد از صحابه علوم زیادی را فرا بگیرد و هم‌چنین افراد زیادی بتوانند از دانش وی بهره ببرند. وی از شاگردان خاص ابن عباس در تفسیر بوده که در این باره می‌گوید: سه بار قرآن را بر ابن عباس عرضه کردم (تهذیب التهذیب، ج ۱۰، ص ۴۳). مجاهد از افراد بسیاری از جمله امام علی علیه السلام^۱، ابن عباس، خلفا، جابر بن عبدالله انصاری، ابوهریره، ابوسعید خدری و... (تذکره الحفاظ، ج ۱، ص ۹۲) حدیث نقل کرده و افراد

ص ۲۷۲؛ ۳. سلیمان بن حرب - حماد بن سلمه - علی بن زید بن جدعان - سعید بن جبیر (همان، ج ۲، ص ۵۰۷)؛ ۴. ابن ابی فدیك - حسن بن عبدالله بن عطیه - ابن عباس (همان، ج ۲، ص ۵۳۲)
۱. علی بن ابراهیم قمی (ج ۲، ص ۳۵۷) و فرات کوفی (ج ۱، ص ۴۷۰)، از مفسران متقدم شیعه، روایات او از امام علی علیه السلام را آورده‌اند.

زیادی همچون طاوس، عطاء، عکرمه، عمرو بن دینار، ابوزبیر، طلحة بن أعمش، عبدالله بن ابی نجیح، قتادة بن دعامة (تهذیب التهذیب، ج ۱۰، ص ۴۳) از او روایت کرده‌اند. ابن جریج می‌گوید: او در سن ۸۳ سالگی در حال سجود در مکه از دنیا رفت (تذکره الحفاظ، ج ۱، ص ۹۲). در مورد سال وفات او اختلاف است. برخی سال ۱۰۳ و برخی سال ۱۰۴ را ذکر کرده‌اند، سال ۱۰۰ و ۱۰۱ را هم آورده‌اند (تهذیب التهذیب، ج ۱۰، ص ۳۹ و ۴۰).

عبدالله بن ابی نجیح

یکی از راویان معروف زنجیره سندی این تفسیر که در واقع این تفسیر به روایت وی می‌باشد، ابویسار عبدالله بن ابی نجیح، مکی، ثقفی - مولی أحنس بن شریق ثقفی - است. وی که از مفسران نامی پس از دوران تابعین است؛ فردی زیبا، خوش سخن و خوش چهره بود و هرگز هم ازدواج نکرد (سیر اعلام النبلاء، ج ۶، ص ۱۲۵). او را به اوصافی از جمله ثقه، مفسر، صالح الحدیث و کثیر الحدیث (طبقات ابن سعد، ج ۴، ص ۲۰۳) ستوده‌اند. افراد بسیاری از جمله احمد بن حنبل، ابوزرعه، نسائی (تهذیب التهذیب، ج ۶، ص ۴۹) او را ثقه دانسته‌اند. وی پس از عمرو بن دینار، مفتی مکه بوده است (سیر اعلام النبلاء، ج ۶، ص ۱۲۵).

برخی نیز تفسیری که وی از مجاهد نقل کرده را صحیح دانسته‌اند (الجرح و التعديل، ج ۱، ص ۷۹). ذهبی نیز او را از ائمة ثقات تفسیر و عالم به آن می‌نامد (سیر اعلام النبلاء، ج ۶، ص ۱۲۶). البته برخی هم در صحت تفسیر وی دچار تردید شده و گفته‌اند: او همه تفسیر را از مجاهد سماع نکرده است (میزان الاعتدال، ج ۲، ص ۵۱۵؛ تهذیب التهذیب، ج ۶، ص ۵۰). اما ابن تیمیه این ادعا را رد کرده و بیان می‌کند تفسیر ابن ابی نجیح که از طریق مجاهد نقل کرده است، از صحیح‌ترین تفاسیر است، بلکه تفسیری درست‌تر از آن، در دست اهل تفسیر وجود ندارد (تفسیر سوره اخلاص، ص ۵۴).

در این میان نیز عده‌ای ابن ابی نجیح را متهم به اعتزال و قدریه دانسته‌اند (میزان الاعتدال، ج ۲، ص ۵۱۵). اما ذهبی در رد این ادعا می‌گوید: عده‌ای از ثقات او را به قدری بودن متهم کرده‌اند. در حالی که به خطا رفته‌اند و ما از خدا برای آن‌ها طلب بخشش می‌کنیم (تذکره الحفاظ، ج ۶، ص ۱۲۶).

ابن ابی نجیح از افراد بسیاری از جمله طاوس بن کیسان، عبدالله بن ابی کثیر، عطاء بن ابی رباح و مجاهد بن جبر و... روایت کرده و افرادی از جمله ابراهیم بن ابی نافع، سفیان ثوری، شعبه بن حجاج، محمد بن اسحاق، ورقاء بن یشکری از او روایت کرده‌اند (تهذیب الکمال، ج ۶، ص ۲۱۶). وی طبق اختلاف آراء در سال ۱۳۱ یا ۱۳۳ وفات کرده است (طبقات الکبری، ج ۵، ص ۴۸۳).

ورقاء بن عمر یشکری

دیگر راوی سند مشهور این تفسیر، ورقاء بن عمر بن کلب شیبانی یشکری کوفی مروزی است که از محدثان و مفسرانی است که در درجه اول بر تفسیر مجاهد به روایت ابن ابی نجیح تکیه کرده است. کنیه او ابوبشر است. برخی اصالتاً وی را اهل خوارزم، برخی مرو، برخی دیگر کوفه و برخی هم اهل خراسان دانسته‌اند (تاریخ بغداد، ج ۱۳، ص ۴۹). برخی از رجالیون ورقاء را صدوق، عالم، از ثقات کوفه دانسته‌اند (میزان الاعتدال، ج ۴، ص ۳۳۲). عالمان تفسیر او را به خوبی وصف کرده‌اند. طبری و ثعلبی در تفسیر خود، از او بهره گرفته‌اند. یحیی بن معین او را ثقة دانسته و نقل می‌کند که وی برخی از تفسیر را از طریق سماع و برخی دیگر را از طریق قرائت دریافت کرده است (الکامل فی الضعفاء، ج ۷، ص ۹۰). البته برخی هم وی را به دلیل عدم سماع همه تفسیر جرح کرده‌اند (تاریخ بغداد، همان‌جا؛ تهذیب الکمال، ج ۳۰، ص ۴۳۵). عقیلی هم در مورد احادیثی که وی از منصور نقل کرده، تردید می‌کند.

ورقاء از افرادی مانند عمرو بن دینار، ابوالزناد، عبدالله بن دینار، عبیدالله بن ابی یزید، ابن ابی نجیح و... روایت کرده و افرادی از جمله آدم بن ابی ایاس، شعبه بن حجاج، عبدالله بن ابن مبارک، وکیع، عبیدالله بن نمیر، ابوداود طیالسی، فریابی و... از او روایت کرده‌اند (الجرح و التعديل، ج ۹، ص ۵۱).

آدم بن ابی ایاس

آدم بن ابی ایاس که اسم او عبدالرحمن بن محمد است - به او ناهیه بن شعیب خراسانی ابوالحسن عسقلانی هم گفته شده است - از دیگر راویان این تفسیر است که اصالتاً اهل بغداد می‌باشد. البته برخی (الجرح و التعديل، ج ۲، ص ۲۶۸؛ تذکره الحفاظ، ج ۱، ص ۴۰۹) هم او را اهل مرو دانسته‌اند.

اکثر رجالیون مانند ابوداود، عجلی، ابن حبان، وی را مدح کرده و او را به اوصافی از جمله ثقه، لابس فیہ (تهذیب التهذیب، ج ۱، ص ۱۷۱) ستوده‌اند. احمد بن حنبل در مورد او می‌گوید: او جزء ۶ نفری بوده که حدیث را نزد شعبه ضبط و کتابت کرده‌است. این درحالی است که یحیی بن معین ضمن توثیق او می‌گوید: احتمال دارد از ضعفاء هم حدیث نقل کرده باشد (همان).

وی از کسانی بود که برای بدست آوردن حدیث مسافرت می‌کرد و در نهایت عسقلان را به عنوان وطن خود برگزید و در همان جا هم از دنیا رفت (همان). در مورد سال وفات وی برخی (تذکره الحفاظ، همان) جمادی الثانی سال ۲۲۰ در زمان خلافت ابواسحاق و برخی دیگر (تهذیب التهذیب، ج ۱، ص ۱۷۱) سال ۲۲۱ را ذکر کرده‌اند.

آدم از افرادی از جمله ابن ابی ذئب، حریر بن عثمان، شعبه، اسرائیل، لیث و چند تن از شام و مصر و عراق و حجاز روایت نقل کرده است. و افرادی از جمله بخاری، أبوزرعه دمشقی، أبوحاتم، هاشم بن مرثد طبرانی، سمویه و بسیاری دیگر از او روایت نقل کرده‌اند (همان). اما در مورد شخصیت رجالی، اوصاف و ویژگی‌های دو راوی دیگر سند مشهور یعنی ابراهیم بن حسین همدانی و عبدالرحمن بن حسن بن احمد همدانی در منابع رجالی مطلبی ذکر نشده است.

سندهای دیگر منتهی به مجاهد

علاوه بر طریق مشهور تفسیر مجاهد (آدم - ورقاء - ابن ابی نجیح - مجاهد)، در این تفسیر طرق دیگری نیز به مجاهد ختم می‌شود. این طرق که در مجموع ۱۴ مورد است، در ۳۱ روایت دیده می‌شود. این طرق عبارتند از:

۱. آدم - ورقاء - منصور - مجاهد. از این طریق ۲ روایت آمده است (تفسیر مجاهد، ج ۱، ص ۱۸۰؛ ج ۲، ص ۷۶۸).

۲. آدم - ورقاء - حصین - مجاهد. از این طریق ۳ روایت آمده است (همان، ج ۲، ص ۷۶۱، ۴۷۲؛ ج ۱، ص ۳۸۰).

۳. آدم - ورقاء - مسلم الأعمور - مجاهد. از این طریق ۲ روایت آمده است (همان، ج ۱، ص ۳۴۱، ۳۸۹).

۴. آدم - ورقاء - عبدالکریم - مجاهد (همان، ج ۱، ص ۳۵۹).

۵. آدم - ورقاء - ابن ابی نجشع - مجاهد (همان، ج ۲، ص ۵۸۴).
۶. آدم - الزنی بن خالد - ابن ابی نجیح - مجاهد. از این طریق ۲ روایت آمده است (همان، ج ۱، ص ۱۷۹؛ ج ۲، ص ۷۷۳).
۷. آدم - شریک - جابر - مجاهد. از این طریق ۳ روایت آمده است (همان، ج ۲، ص ۶۴۹، ۷۸۳، ۷۲۲).
۸. آدم - شریک - منصور - مجاهد (همان، ص ۷۹۹).
۹. آدم - شبیان - جابر - مجاهد. از این طریق ۳ روایت آمده است (همان، ص ۴۵۴، ۷۳۳، ۷۸۳).
۱۰. آدم - محمد بن طلحه - زید بن آیامی - مجاهد. از این طریق ۲ روایت آمده است (همان، ج ۲، ص ۶۸۳، ۷۴۵).
۱۱. آدم - شریک - سالم بن الأقطس - مجاهد (همان، ص ۵۹۷).
۱۲. آدم - ابی عوانه - ابوبشر - مجاهد (همان، ص ۶۸۹).
۱۳. آدم - ورقاء - عبدالله قال آدم: لا أدری ابن من - عن ابراهیم بن ابی بکر عن مجاهد (همان، ص ۶۷۵).
۱۴. آدم - شبیان - منصور - مجاهد. از این طریق ۸ روایت آمده و در واقع پس از طریق مشهور، این طریق بیشترین روایات منقول از مجاهد را به خود اختصاص داده است (همان، ج ۱، ص ۲۶۲؛ ج ۲، ص ۶۱۸، ۶۴۵، ۷۰۰، ۶۹۱، ۷۴۲، ۷۴۳، ۷۷۶).

روایات منقول از مجاهد از دیگر افراد

علاوه بر روایاتی که به مجاهد می‌رسد، روایاتی هم از مجاهد، از پیامبر ﷺ، ائمه اهل بیت و صحابه نقل شده است.

در مجموع ۶ روایت از مجاهد از پیامبر ﷺ ضمن مباحث مختلف فقهی، کلامی، اسباب نزول و ... آمده است (تفسیر مجاهد بن جبر و روش شناسی آن، ص ۱۲۳). از ائمه هم تنها یک روایت از امام علی علیه السلام آورده است (ق، ۴۰). اما از مجاهد از دیگر ائمه اهل بیت - امام حسن علیه السلام، امام حسین علیه السلام، امام سجاد علیه السلام، امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام - که در دوران ایشان زندگی می‌کرده، روایتی ذکر نشده است.

۱. در این سند نام ابن ابی نجیح را «ابن ابی نجشع» آورده که معلوم نیست این اشتباه در نسخه خطی اتفاق افتاده یا در نسخه چاپی. محقق تفسیر هم به آن اشاره‌ای نکرده است.

۹ روایت نیز از مجاهد از صحابه، نقل شده که از این تعداد ۸ روایت از ابن عباس است که ۴ مورد آن در بیان معنای واژه است. به عنوان مثال واژه «آتت» در آیه «وَآتَتْ كُلَّ وَاحِدَةٍ مِّنْهُنَّ سَكِينًا» را «أعطت» معنا کرده است (یوسف، ۳۱). ۲ مورد در تعیین مبهم است که در یک مورد آن مراد از آیه را بلعم باعورا (الاعراف/ ۱۷۵) و در مورد دیگر مراد از آیهر افرادی از قبیله بنی‌دار می‌داند (انفال، ۲۲). یک مورد از روایات ابن عباس هم در بیان مباحث فقهی (ذیل آیه ۱۹۶ سوره بقره) و روایت دیگر در بیان مراد آیه (ق، ۴۰) است. در یک روایت هم از ابن مسعود واژه «مُغِیْرَات» به «الخیل» معنا کرده است (عادیات، ۳).

سندهای منتهی به غیر مجاهد

از ۲۱۳۰ روایت تفسیر مجاهد، ۳۹۹ روایت آن به افراد دیگر غیر از مجاهد ختم می‌شود. این روایات از جهت این که به چه کسی ختم می‌شود، به سه دسته قابل تقسیم است: برخی از روایات به پیامبر ﷺ، برخی به ائمه اطهار علیهم‌السلام، برخی به صحابه‌ای مانند ابن عباس، ابوعبدالرحمن سلمی، ابوهریره و... اسناد داده می‌شود و برخی دیگر به تابعین از جمله سعید بن جبیر و عکرمه می‌رسد که در ادامه هر یک را بیان می‌کنیم.

روایات منقول از معصومین علیهم‌السلام

در این تفسیر در مجموع ۲۲ مورد از پیامبر از صحابه‌ای مانند ابوسعید خدری، ابوهریره، ابن عباس، جابر بن عبدالله انصاری، ابن مسعود، معاذ بن جبل، انس بن مالک، عایشه و... آمده است (تفسیر مجاهد بن جبر و روش شناسی آن، ص ۱۶۸، جدول ۵) ۴ روایت هم از تابعین، حسن بصری و سلمة بن یزید، از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نقل شده است (تفسیر مجاهد، ج ۲، ص ۶۴۷ و ۶۴۸). همچنین ۱۵ روایت از امام علی علیه‌السلام از افرادی از جمله اصبع بن نباته، عبدالله بن یحیی و... نقل شده است. قابل توجه اینکه، همه این روایات در جلد دوم تفسیر مجاهد آمده است (تفسیر مجاهد بن جبر و روش شناسی آن، جدول ۶، ص ۱۶۹). از دیگر ائمه هم ۲ روایت از امام حسین علیه‌السلام، یک روایت از امام حسن علیه‌السلام و یک روایت هم از امام سجاد علیه‌السلام آمده است.

روایات منقول از صحابه و تابعین

با سند غیر از مجاهد حدود ۱۶۲ روایت از صحابه نقل شده که از این تعداد ۷۱ روایت آن از ابن عباس و بقیه از صحابه‌ای مانند ابن مسعود، ابوموسی اشعری، عایشه، محمد بن کعب قرظی،

کعب احبار، وهب بن منبه، ابوهریره، ابوسعید خدری، ابو عبدالرحمن سلمی، عبدالله بن عمرو بن عاص، انس بن مالک و... است. قابل ذکر است که رساندن اسناد به صحابه به ویژه ابن عباس اصلاً عجیب نیست. زیرا اگر هماهنگ با شرایط و جوّ زمان، کسی می‌توانست روایت تفسیری را به یکی از صحابه پیامبر به ویژه ابن عباس برساند، قطعاً موجب افزایش اعتبار تفسیر می‌شد (مناهل العرفان، ج ۲، ص ۲۳). روایاتی که از ابن عباس در تفسیر مستقل مجاهد نقل شده، به ۵۰ طریق است (تفسیر مجاهد بن جبر و روش شناسی آن، ص ۱۷۰، جدول ۷). بقیه روایات که در مجموع ۱۸۳ روایت می‌شود، روایات منقول از تابعین است. که در این میان بیشترین روایت به طریق «آدم - میارک بن فضاله - حسن بصری» است. این طریق که در ۴۴ روایت آمده، در واقع پس از طریق مشهور منتهی به مجاهد، بیشترین روایات مذکور در تفسیر مجاهد را به خود اختصاص داده است.

طرق تفسیر مجاهد

غیر از نسخه خطی مستقل تفسیر مجاهد، روایات فراوانی از او در تفاسیر روایی سده‌های نخست مانند تفسیر طبری، تفسیر سفیان ثوری و... آمده است. بنابراین روایات وی در این تفاسیر هم دارای طریقی می‌باشد.

طرق تفسیر مجاهد در تفسیر طبری

گئورک اشتاوت در رساله دکتری خود با عنوان «روایات تفسیری مجاهد بن جبر» که در سال ۱۹۶۹ در دانشگاه گیسن ارائه کرد، تفسیر مستقل منسوب به مجاهد را با روایات تفسیری مجاهد در تفسیر طبری و نیز تفسیر منسوب به سفیان ثوری و تفسیر عبدالرزاق صنعانی (م ۲۱۱) از معمر بن راشد (م ۱۵۳)، مقایسه کرد. اشتاوت چهار طریق مهم تفسیر مجاهد در تفسیر طبری را برگزید که ۳ طریق آن در ابن ابی نجیح، و یک طریق آن در ورقاء و ابن ابی نجیح، با تفسیر مستقل مجاهد مشترک‌اند (تحلیل دیدگاه‌های خاورشناسان در مورد آثار تفسیری منسوب به ابن عباس، ص ۱۲۳ - ۱۲۰).

اشتاوت با بررسی نقل‌های مختلف تفسیر مجاهد، درمی‌یابد که محتوای روایات به هم شبیه بوده و تفاوت اساسی و بنیادین ندارند. او تشابه نقل‌های مختلف تفسیر را شاهدی بر وجود یک منبع مشترک می‌داند. البته این نقل‌ها اختلافاتی جزئی مثلاً در استناد به اشعار دارند. از این رو

نتیجه می‌گیرد که منبع اصلی، بزرگ‌تر و گسترده‌تر از این نقل‌های باقی مانده بوده و راویان به دلخواه از آن‌گزینش و نقل می‌کردند. به عقیده اشتاوت، منبع اصلی تفسیر مجاهد از سال ۵۱۲۰ ق وجود داشته است. اما چون راویان در نقل از این منبع خیلی دقیق و محتاط نبودند، بازسازی تفسیر مجاهد بر اساس این نقل‌ها امکان‌پذیر نیست (همان، ص ۱۲۱).

طرق تفسیر مجاهد در تفسیر ثعلبی

بر اساس آن چه احمد بن ابراهیم ثعلبی نیشابوری در مقدمه تفسیرش، الکشف و البیان عن تفسیر القرآن آورده، مجموعه‌های تدوین شده از اقوال تابعین همچون تفسیر حسن بصری، تفسیر عکرمه، تفسیر مجاهد، تفسیر محمد بن کعب قرظی و تفسیر سعید بن جبیر، در زمان وی موجود بوده‌است و گاه به چند طریق روایت شده‌اند. او ذیل عنوانی به نام «طرق تفسیر مجاهد» ۸ طریق را برای این تفسیر ذکر کرده و طریق خود به هریک از آن‌ها را بیان کرده است. در حالی از این تعداد، تنها ۳ طریق آن به مجاهد منتهی می‌شود و بقیه به ضحاک و سدی می‌رسند (تفسیر ثعلبی، ج ۱، ص ۷۸).

۱. طریق ابن ابی نجیح: أخبرنا أبو محمد عبد الله بن حامد الأصفهانی: أخبرنا أبو عبد الله محمد بن أحمد بن محمد بن طه، حدّثنا عبد الله بن زكريا، حدّثنا سعيد بن يحيى بن سعد الأموي، حدّثنا مسلم بن خالد الزنجي عن ابن أبي نجیح عن مجاهد.
برای طریق ابن ابی نجیح، سلسله سند دیگری را نیز ذکر کرده‌است: حدّثنا أبو القاسم الحسن بن محمد بن جعفر: حدّثنا أبو زكريا يحيى بن محمد ابن عبد الله العنبري: حدّثنا محمد بن عبد السلام الوزّاق: أخبرنا إسحاق بن إبراهيم الحنظلي عن ورقاء عن ابن أبي نجیح عن مجاهد.

۲. طریق ابن جریج: أخبرنا القاسم بن أبي بكر المكتب، أخبرنا أبو الحسن علي بن محمد ابن محمد البغدادي، حدّثنا المأمون بن أحمد، حدّثنا عبد الله بن الرماح عن الحجّاج بن محمد الجزري عن ابن جریج عن مجاهد.

۳. طریق لیث: حدّثنا أبو القاسم الحسن بن محمد بن جعفر، حدّثنا أبو جعفر محمد بن سليمان ابن منصور، نا جعفر بن أحمد بن نصر الحافظ، نا محمد بن حمید، نا جریر عن لیث عن مجاهد المکی.

حاجی خلیفه (کشف الظنون، ج ۱، ص ۴۵۸) هم می‌گوید: برای تفسیر مجاهد طرقي است که از جمله آن‌ها طریق ابن ابی نجیح، ابن جریح و لیث است.

پدیده عجیب در نسخه خطی تفسیر مجاهد

در نسخه خطی تفسیر مجاهد که در دارالکتب قاهره موجود است، یک افتادگی عجیب وجود دارد. در این نسخه از آغاز سوره قلم تا آغاز سوره مرسلات، راوی تفسیر - آدم بن ابی ایاس - جز یک مورد^۱، هیچ روایت تفسیری با سند «ورقاء عن ابن ابی نجیح عن مجاهد» نقل نمی‌کند، در حالی که طبری در تفسیر این بخش، حدود ۱۰۰ روایت از مجاهد نقل کرده که تقریباً همه آن‌ها به دو طریق عیسی و ورقاء هستند.

این افتادگی در ابتدا عجیب به نظر نمی‌رسد، زیرا آدم بن ابی ایاس آن را با ۳۷ روایت که به مراجع مختلف مانند پیامبر ﷺ، علی رضی الله عنه، ابن عباس و... ختم می‌شود و نیز با ۴ روایتی که با سندهای متفاوت به مجاهد می‌رسد، پر کرده است.

این افتادگی می‌تواند دلایل گوناگونی داشته باشد که به نظر می‌رسد بارزترین آن، این است که ورق‌های این بخش، از نسخه خطی تفسیر مجاهد که آدم بن ابی ایاس آن را روایت می‌کرد، افتاده بوده است. زیرا از آنجایی که منابع رجالی - همانطور که ذکر شد - وثاقت آدم را نشان می‌دهند. از طرفی آدم مطابق قواعدی که تا آن هنگام وضع شده بود، از ورقاء روایت می‌کرد. از این رو منبع آدم بایستی قبل از سال ۱۶۰ ه.ق یعنی سال مرگ ورقاء، نوشته شده باشد (تحلیل دیدگاه‌های خاورشناسان در مورد آثار تفسیری منسوب به ابن عباس، ص ۱۲۲ - ۱۲۳).

کاستی‌های اسناد

با بررسی اسناد روایات تفسیر مجاهد از نظر ساختار سلسله راویان، نواقصی مشاهده می‌شود که عبارتند از:

۱. انشعاب در سند

در سند ۳۱ روایت انشعاب وجود دارد. که چند نمونه از آن را ذکر می‌کنیم:

۱. سوره جن، آیه ۱۵

۱. أنا عبدالرحمن، قال: ثنا ابراهيم، قال: ثنا آدم، قال: حدثنا شيبان عن جابر عن مجاهد و عكرمه، عن ابن عباس (تفسير مجاهد، ج ۱، ص ۲۵۰).

۲. أخبرنا عبدالرحمن، حدثنا ابراهيم، ثنا هشيم و ورقاء عن سليمان شيباني، عن ابي أوفى (همان، ص ۲۷۲).

۳. أنا عبدالرحمن، نا ابراهيم، نا آدم، ثنا اسرائيل و شريك عن ابي اسحاق، عن البراء بن عازب (همان، ص ۳۲۴).

۴. أنا عبدالرحمن، نا ابراهيم، نا آدم، ثنا حماد بن سلمه و سليمان بن حبان عن هشام بن عروه، عن اييه (همان، ص ۳۶۰). و موارد ديگر (همان، ص ۱۳۳، ۱۵۵، ۲۰۷، ۹۲: ج ۲، ص ۵۲۷، ۶۴۷، ۷۴۴، ۵۰۶، ۷۵۸ و ...).

۲. اشتباه آوردن نام افراد

در ۳ مورد نام افراد اشتباه ذکر شده است. طبق بيان عبدالرحمن سورتی، محقق تفسیر مجاهد، این اشتباهات در نسخه خطی که به دست وی رسیده، بوده است.^۱

۱. أنا عبدالرحمن، قال نا ابراهيم، قال: نا آدم، قال: نا ورقاء عن ابن ابي جريح، عن مجاهد (همان، ج ۱، ص ۹۰).

۲. أنا عبدالله، قال: نا ابراهيم، قال: نا آدم، قال: نا ورقاء عن ابن ابي نجیح، عن مجاهد (همان، ص ۱۴۴).

۳. أنا عبدالرحمن، نا ابراهيم، نا آدم، نا ورقاء عن ابن ابي جريح في قوله (همان، ص ۳۳۵). همان طور که می بینیم در روایت اول و سوم نام ابن ابي نجیح را «ابن ابي جريح» آمده و در روایت دوم به جای نام عبدالرحمن، نام عبدالله ذکر شده است.

۳. ناقص آوردن سند روایات

در ۳ مورد هم سند ناقص آورده شده است:

۱. قال ابن ابي نجیح: سمعت هذا من عكرمه، ثم عرضته على مجاهد فلم ينكره (همان، ص ۸۸). در این سند می بینیم که راویان سه طبقه قبل از ابن ابي نجیح ذکر نشده است.

۱. در تأیید گفته وی باید گفت که این اشتباهات در تفسیر مجاهد با تحقیق ابوالنیل هم آمده است.

۲. أنبا عبدالرحمن، قال: نا ابراهيم، قال: نا آدم(همان، ص ۱۳۳). در این سند هم راویان پس از آدم نیامده است.

۳. أنا عبدالرحمن، نا ابراهيم، نا آدم، نا حماد بن سلمة بن هشام بن عروه عن أبيه، عن(همان، ج ۲، ص ۵۱۸). در این روایت هم راوی آخر ذکر نشده است.

۴. افتادگی در سند

در ۷ مورد در سند حدیث افتادگی وجود دارد که در این موارد محقق نسخه آن قسمتی را که از سند حذف شده است، در قلاب می‌آورد.

۱. أنا عبدالرحمن، [قال: نا ابراهيم، قال:(همان، ج ۱، ص ۷۸).

۲. انبا عبدالرحمن، قال: نا ابراهيم، [قال: نا آدم قال: نا] ورقاء(همان، ص ۸۶).

۳. انا عبدالرحمن، قال: نا ابراهيم، قال: نا آدم، قال: نا ورقاء [عن ابن ابی نجیح، عن مجاهد](همان، ص ۱۰۶)

۴. انبا عبدالرحمن، قال: نا ابراهيم، قال: نا آدم، قال: ثنا ورقاء عن ابن ابی نجیح، [عن مجاهد](همان، ص ۱۱۵، ۱۲۳، ۱۵۳).

۵. أنا عبدالرحمن، [نا ابراهيم]، نا آدم....(همان، ج ۲، ص ۵۳۲)

۶. أنبانا عبدالرحمن، قال: نا آدم، قال: ثنا [ورقاء] عن ابن ابی نجیح، عن مجاهد(همان، ص ۶۰۷)

۷. أنا عبدالرحمن، قال: نا [ابراهيم، قال: نا آدم، قال: نا] ورقاء.....(همان، ص ۶۱۲)

۵. ذکر روایت بدون سند

در ۴ مورد، بدون ذکر سند، روایت تفسیری آورده شده که این موارد عبارت است از: ذیل آیه «أَيْتُكَ أَلَا تُكَلِّمُ النَّاسَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ إِلَّا رَمْرًا» (آل عمران، ۴۱) بدون ذکر هیچ سندی در مراد از «رمزا» آمده است: «تومی ایماء»، در روایت دیگر فقط نام مجاهد آمده است: «سمعت مجاهدًا يقول... (آل عمران، ۹۲) که در این سند علاوه بر این که سند ذکر نشده، فاعل «سمعت» هم معلوم نیست. در تفسیر آیه «مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ» (فرقان، ۵۳) می‌گوید: عن مجاهد فی قوله: أفاض أحدهما فی الآخر. اما هیچ سندی که به مجاهد منتهی شود، نیامده است. هم‌چنین در تفسیر واژه «فَأَمْنُنُ» (ص/۳۹) آمده: و یاسناده فی قوله «فَأَمْنُنُ» یعنی: «اعط». البته احتمال دارد که مراد از «اسناده» سند روایت قبل آن، که همان سند مشهور است، باشد.

۶. حذف علائم اختصاری

در کتاب‌های متقدمین برای تعبیر از «حدثنا»، «أخبرنا»، «حدثنی» و «أخبرنی» علائم اختصاری خاصی وضع کرده‌اند. به این ترتیب که «ثنا» و «نا» را برای حدثنا، «أنا» را برای أخبرنا و «ح» را در حیلولة به کار برده‌اند.^۱ در تفسیر مجاهد در چندین مورد این الفاظ حذف شده است. این موارد عبارتند از:

۱. أنا عبدالرحمن، قال: ثنا ابراهیم، قال: نا آدم قال: [نا] و رقاء... (تفسیر مجاهد، ج ۱، ص ۷۵).

۲. أنا عبدالرحمن، قال: ثنا ابراهیم، قال: نا آدم، نا و رقاء عن ابن ابی نجیح، [عن] مجاهد (همان، ج ۲، ص ۴۶).

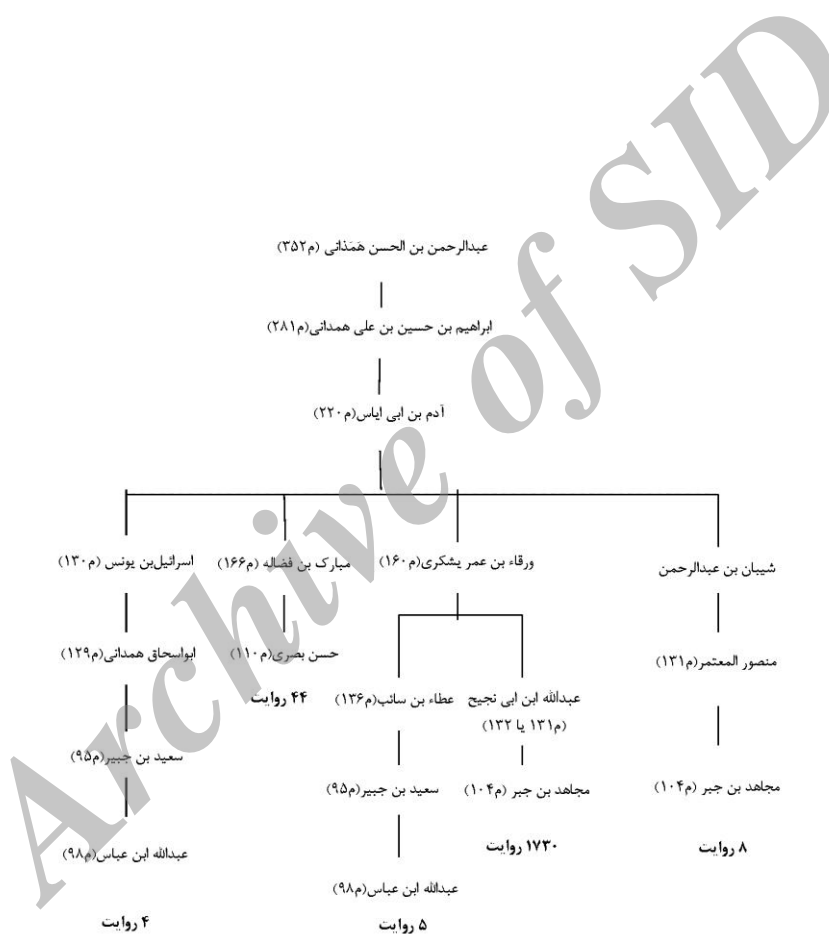
۳. أنا عبدالرحمن، قال: ثنا ابراهیم، قال: نا آدم قال [ثنا] و رقاء.. (همان، ص ۷۷۴).

نتیجه گیری

بررسی روایات تفسیر مجاهد که تنها تفسیر باقی مانده از عهد تابعین است، نشان می‌دهد که با وجود این که این تفسیر به نام وی می‌باشد، اما همه روایات آن به مجاهد ختم نمی‌شود، بلکه از مجموع روایات آن که ۲۱۳۰ روایت است، تنها ۱۷۳۱ مورد آن حاوی آراء مجاهد است و بقیه روایات طی دوران بعد توسط آدم بن ابی ایاس به آن افزوده شده است. هم‌چنین بررسی رجال سند مشهور این تفسیر، ممدوح بودن آن‌ها را نزد رجالیون نشان می‌دهد که این می‌تواند از امتیازات این تفسیر باشد. افتادگی بخشی از تفسیر - از آغاز سوره قلم تا آغاز سوره مرسلات - یک پدیده جالب توجه در این تفسیر است که آشکارترین علت آن افتادگی این اوراق از نسخه‌ای است که به دست آدم بن ابی ایاس رسیده است.

۱. اگر محدث متنی را به دو سند نقل نماید، هنگام انتقال از سندی به سند دیگر، «ح» می‌نویسد؛ این حرف رمزی است برای تحویل و به معنای انتقال و یا به معنای فاصله و حاجز شدن است. (درایة الحدیث، ص ۴۷)

نمودار، اسانید بیشترین روایات نسخه مستقل تفسیر مجاهد



کتابنامه

- **الاصابة فی تميز الصحابه**، احمد بن علی بن حجر عسقلانی، تحقیق: عادل أحمد بن موجود، علی بن محمد معوض، بیروت: دارالکتب العلمیة، اول، ۱۴۱۵ق.
- **تاریخ مدینة الدمشق**، علی بن حسن بن عساکر، تحقیق: علی شیر، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۵ق.
- **تاریخ نگارش های عربی**، فؤاد سزگین، ترجمه: فهرستگان، تهران: سازمان چاپ و انتشارات، دوم، ۱۳۸۶ش.
- **تحلیل دیدگاه های خاورشناسان در مورد آثار تفسیری منسوب به ابن عباس**، نصرت نیل ساز، رساله دکتری علوم قرآن و حدیث، تهران، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۶ق.
- **تذکرة الحفاظ**، محمد بن احمد ذهبی، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی، بی تا.
- **تفسیر سوره الاخلاص**، تقی الدین احمد بن عبدالحلیم بن تیمیه، بغداد: انتشارات الانتصار، ۱۹۹۰م.
- **تفسیر فرات کوفی**، ابوالقاسم فرات بن ابراهیم فرات کوفی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، اول، ۱۴۱۰ق.
- **تفسیر قمی**، علی بن ابراهیم قمی، تحقیق: سید طیب موسوی جزایری، قم: دارالکتب، چهارم، ۱۳۶۸ش.
- **تفسیر مجاهد**، مجاهد بن جبر، تحقیق: عبدالرحمن الطاهر بن السورتی، اسلام آباد: مجمع البحوث الاسلامیة، ۱۳۶۷ق.
- **تفسیر مجاهد بن جبر و روش شناسی آن**، الهام زرین کلاه، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۹۰ش.
- **تهذیب التهذیب**، احمد بن علی بن حجر عسقلانی، بیروت: دارالفکر، اول، ۱۴۰۴ق.

- تهذيب الكمال في اسماء الرجال، يوسف بن عبدالرحمن حافظ مزى، تحقيق: بشار عواد معروف، بيروت: مؤسسة الرسالة، اول، ۱۴۱۳ق.
- الثقات، محمد بن حبان، حيدر آباد دكن هند: مؤسسة الكتب الثقافية، اول، ۱۳۹۲ق.
- الجرح و التعديل، عبدالرحمن بن محمد بن ابي حاتم، بيروت: دارالاحياء التراث العربية، اول، ۱۳۷۲ق.
- سير اعلام النبلاء، محمد بن احمد ذهبى، تحقيق: حسين اسد، بيروت: مؤسسه رسالت، نهم، ۱۴۱۳ق.
- الضعفاء العقبلى، عقبلى، تحقيق: عبد المعطى امين قلجى، بيروت: دارالكتب العلمية، سوم، ۱۴۱۸ق.
- الطبقات الكبرى، محمد بن سعد، بيروت: دارصادر، بى تا.
- الكامل في الضعفاء الرجال، عبدالله بن عدى، تحقيق: يحيى مختار غزوى، بيروت: دارالفكر، سوم، ۱۴۰۹ق.
- الكشف و البيان في التفسير القرآن، ابواسحاق احمد بن محمد بن ابراهيم ثعلبى نيشابورى، بيروت: دارالاحياء التراث العربية، اول، ۱۴۲۲ق.
- كشف الظنون، حاجى خليفه، بيروت: دارالاحياء التراث العربى، بى تا.
- الكنى و الالقاب، شيخ عباس قمى، بى تا، بى تا.
- مناهل العرفان، محمد بن عبدالعظيم زرقانى، بى تا، بى تا.
- ميزان الاعتدال في نقد الرجال، محمد بن احمد ذهبى، تحقيق: على محمد البجاوى، بيروت: دارالمعرفة، اول، ۱۳۸۲ق.

ملخص الأبحاث والمقالات باللغة العربية

نقله الى العربية: سيد جعفر حكيم

ورثة الأرض في الآيات المهدوية

حسين سروش^١؛ شعبان نصرتي^٢؛ محمد ركعي^٣
توجد في القرآن الكريم آيات تشير إلى موضوع ورثة الأرض النهائيين و مالكيها و خلفائها الإلهيين، فمن جملة الآيات التي تبنت موضوع المهدوية الآية ١٠٥ من سورة الأنبياء، والآية ٥٥ من سورة النور، والآية ٥ من سورة القصص. ولكن بعض المفسرين لا يرون أي علاقة لهذه الآيات بمسألة المهدوية، إذ فسروا المراد من الأرض فيها بالجنة. يتناول هذا المقال هذه الآيات عبر ثلاثة محاور: التحليل اللغوي، التحليل الروائي وتفسير المفسرين؛ ليصل على ضوء معطيات القرائن اللغوية وظهور الآيات وتصريح الروايات وتحليل أقوال المفسرين الى أن هذه الآيات تنطبق على موضوع المهدوية الذي هو عبارته عن حكومة الإمام المهدي عليه السلام العالمية على هذه الأرض.

الكلمات الرئيسية: ورثة الأرض، الحكومة العالمية، الآيات المهدوية.

١. ماجستير علوم الحديث، اختصاص نهج البلاغة في جامعة القرآن والحديث.
٢. طالب دكتوراه علم كلام الإمامية في جامعة القرآن والحديث وباحث في مركز أبحاث علم كلام أهل البيت عليهم السلام.
٣. طالب دكتوراه علم كلام الإمامية في جامعة القرآن والحديث وباحث في مركز أبحاث علم كلام أهل البيت عليهم السلام.

الأربعينيات في الثقافة الإسلامية

السيد إسحاق حسيني كوهساري^١

لثقافة كتابة «الأربعين حديثاً» ماضٍ تمتد جذوره إلى الحديث النبوي الشريف: «من حفظ على أمتي أربعين حديثاً يحتاجون إليه من أمر دينهم، بعثه الله يوم القيامة فقيهاً عالماً». يتطرق هذا المقال بعد استقراء تراث كتب الأربعين في الثقافة الإسلامية إلى دراسة سند ودلالة هذا الحديث.

سند هذا الحديث وإن لم يبلغ حد التواتر والاستفاضة، لوثاقته كان موضع عمل أهل الخبرة والمحدثين من علماء الفريقين عبر التاريخ.

من حيث المحتوى فإن حفظ الحديث له مراتب ثلاث؛ المرتبة الأولى: الحفظ في الذاكرة، أو كتابته، وتصحيح ألفاظ الحديث واستجازته والإجازة له وروايته.

المرتبة الثانية: حفظ معانيه والتفكير في دقائق مضامينه واستنباط ما فيه من الحكم والمعارف. المرتبة الثالثة: العمل بالحديث.

والمقصود من الأمة في الحديث هي أمة رسول الله ﷺ مطلقاً، ولا تختص بفرقة خاصة دون أخرى، وقد تطلق ويراد بها الفرد الذي هو أحد مصاديق الجماعة كما رأينا ذلك في الحديث ١٢.

ومصداق الأربعين يضم جميع أمهات العقائد والعبادات والخصال الكريمة، إلا أن محمد بن إدريس الشافعي يذهب إلى أنها مصداق لمناب أهل البيت ﷺ خاصة.

والسر في رقم الأربعين هو أن هذا المقدار من العلم غالباً ما يوجب الملكة وحضور سائر المعلومات أيضاً.

الكلمات الرئيسية: الحفظ، الأربعون، التسجيل، كتابة الحديث.

الدين وعلاقات الإنسان

حجت الله بيات^٢

الدين الذي هو الرسالة والقانون والشريعة التي تنبع من مبدأ الوجود، وظيفته وماهيته بصورة عامة مخاطبة الإنسان والتواصل معه. وأهم ما يبين الماهية والوظيفة التواصلية في الدين بوضوح

١. أستاذ مساعد في جامعة طهران، الحرم الجامعي بقم، قسم الإلهيات.

٢. عضو في هيئة التدريس في جامعة القرآن والحديث.

هي المعارف التي توضّح أنواع وحدود العلاقات الإنسانيّة. ونظراً إلى موقع الإنسان في نظام الخلقة و المسير الذي رسمه الله له في سبيل سعادته في قلب الدين، فإنّ أهمّ أقسام المعارف الدينيّة تنظّم وتدير علاقاته بشكل مباشر وغير مباشر؛ لأنّ الحياة الإنسانيّة تتلخّص في علاقاته، وإنّ الدين يحمل رسالة تعلّم الإنسان كيفيّة الحياة وإنشاء العلاقات.

الكلمات الرئيسية: الدين، الإنسان، العلاقات، الله، النفس، الطبيعة والآخرون.

مستلزمات ثقافة العمل الإيجابي من منظار أمير المؤمنين عليّ عليه السلام

ناصر رفيعي؛ محمد رنجبر حسيني؛ أعظم باباخانياه^٣
العمل جوهر الإنسان و مصدر سعادته الدنيويّة والأخرويّة. وقد اهتمّ الإسلام اهتماماً بالغاً بمسألة العمل وعناصره المؤلّفة له، و الأحاديث الكثيرة المرويّة عن النبي الأكرم صلّى الله عليه وآله والأئمّة المعصومين عليه السلام فيما يرتبط بمسألة العمل ومستلزماته خير دليل على ذلك. ثقافة العمل في أيّ مجتمع تدلّ على نضجة الفكريّ والاجتماعيّ، بحيث يكون النموّ الاقتصادي من آثار مثل هذه الثقافة في ذلك المجتمع. يسعى هذا المقال إلى دراسة مستلزمات ثقافة العمل الإيجابي من منظار أمير المؤمنين عليّ عليه السلام، لأجل تقديم أنموذج صحيح و مناسب فيما يرتبط بمسألة ثقافة العمل وفق تعريف تلك المستلزمات. المسؤوليّة والانضباط والتخطيط والإتقان في العمل، كلّ هذه من مستلزمات ثقافة العمل الإيجابي من منظار أمير المؤمنين عليه السلام، وقد انتظم البحث و اكتمل بتحليل العناصر الفرعيّة للعناوين العامّة من خلال هذه العناوين.

الكلمات الرئيسية: الإمام عليّ عليه السلام، ثقافة العمل، الإخلاص في العمل، الانضباط والتخطيط، الإتقان.

سعد بن عبدالله ونطاق النشاط العلميّ لمدرسة قم الحديثيّة

محمد تقّي شاكراً

يعتبر التركيز على رواة كلّ مدرسة ضرورياً لدراسة المدارس الحديثيّة ومعرفة ميول النحل الفكريّة في الأدوار السابقة، و المقال هذا يعمد من خلال منهج مكتبيّ ومنحىّ وصفيّ تحليليّ

١. أستاذ مساعد في جامعة المصطفى صلّى الله عليه وآله العالميّة.

٢. عضو هيئة التدريس و طالب دكتوراه علم كلام الإماميّة في جامعة القرآن و الحديث.

٣. ماجستير العلوم و المعارف، اختصاص نهج البلاغة.

٤. طالب دكتوراه في جامعة القرآن و الحديث.

بالنسبة إلى المستجدات الرجالية، إلى دراسة شخصية أحد محدثي مدرسة قم ومكانته الكلامية. سعد بن عبدالله الأشعري القمي شخصية علمية مرموقة و أحد وجهاء قم ومن كبار الشيعة فيها، و هو بالإضافة إلى معرفته وإشرافه على علم حديث الشيعة، كان عارفاً بأحاديث أهل السنة، و جعل هذا الأمر منه شخصية بارزة في مدينة قم. وكان يولي اهتماماً كبيراً بالنسبة إلى كتابة الحديث، إضافة إلى استماع الحديث ونقله. يتضح من خلال مؤلفاته أنه كان عالماً مجتهداً ومؤثراً ليس في علم الفقه فحسب وإنما في علم الرجال والفرق والمذاهب وعلم الكلام، وكذلك في الإجابة على الأسئلة العقائدية للشيعة. ولا أدل على ذلك من استفادة المفكرين بعده من تراثه العلمي دليل.

بعد التعريف الإجمالي بسعد بن عبدالله نقوم في هذا البحث بدراسة سماته العلمية وطرق نقل الكتب إليه، وكذلك أساتذته وتلامذته من الفريقين، وميوله و الفكرية. ثم عمدنا إلى دراسة الكتب التي ألفها سعد ومواقع الاختلاف فيها بشكل تفصيلي، و حاولنا خلال هذا العمل ومن خلال التركيز على شخصيته العلمية إلى إبداء فكرة أكثر شمولية بالنسبة إلى مدرسة قم وإظهار مدى انتشار التبادل العلمي وسعة معلومات المحدثين في هذه المدرسة الحديثية بالتناسب مع حجم البحث وبمحمورية سعد بن عبدالله نفسه؛ لما له من دور كبير في الكتب الأربعة. الكلمات الرئيسية: سعد بن عبدالله، مدرسة قم الحديثية، النشاط العلمي.

نظرة إلى أسناد روايات تفسير مجاهد

نصرت نيل ساز^١ إلهام زرین كلاه^٢ مجاهد بن جبر هو أحد أشهر مفسري التابعين في القرن الثاني، ومن أوثق تلامذة ابن عباس، وتفسيره هو التفسير الوحيد المأثور عن عصر التابعين. من مجموع ٢١٣٠ رواية ذكرت في التفسير، ١٧٣٠ رواية منها تنتهي من خلال السند المشهور عبدالرحمن - إبراهيم - آدم - ورقاء - ابن أبي نجیح إلى مجاهد. وسائر الروايات تصل من خلال أسانيد أخر إلى النبي ﷺ والأئمة ع^{عليهم السلام} والصحابة والتابعين. وبعد سنده المشهور، جاءت أكثر الروايات بسند «آدم - مبارك بن فضالة - حسن البصري». الظاهرة العجيبة في هذا التفسير هي ذكر رواية واحدة ذات سند مشهور

١. أستاذ مساعد في جامعة تربيت مدرّس.

٢. ماجستير علوم القرآن والحديث.

منذ بداية سورة القلم حتى بداية سورة المرسلات، كما و تشاهد فيه بعض النواقص من قبيل الخطأ في ذكر أسماء الأشخاص وحذف السند و... .
الكلمات الرئيسية: مجاهد بن جبر، تفسير مجاهد، الأسناد، الروايات، السند المشهور.

تحليل أصناف روايات المعصومين عليه السلام التفسيرية

السيدة زينب وحدثي شيري¹

تحوز الروايات التفسيرية عن المعصومين عليه السلام بالأهمية القصوى من جهتين:

١. جهة حجية الروايات التفسيرية.

٢. جهة أصناف الروايات التفسيرية.

ونرى عند مراجعة الكتب التفسيرية وتقييم الروايات الموجودة فيها أنه بالإمكان تقسيمها إلى عدة أصناف حسب اختلاف وظائفها.

وقد طرحت تقسيمات مختلفة حول أصناف الروايات التفسيرية من قبل العلماء والباحثين في علوم القرآن، و حاز من بين تلك التقسيمات على تأييد بعض الأساتذة والباحثين^٢ - نظراً لترتيبه المنسجم والمنظم عبر تقسيم أصناف الروايات إلى عدة أقسام وتقسيم كل قسم إلى أقسام فرعية - هذا التقسيم الذي هو موضوع بحثنا، وهذا ما سبب تميزه عن غيره من البحوث.

تمت دراسة الروايات التفسيرية للمعصومين عليه السلام في هذا التقسيم من حيث المنحى الذي اتخذته من خلال ثلاثة أقسام: النقليّة والتفسيرية والتأويلية، وكل قسم يضم مجموعة أقسام فرعية خاصة به. يقوم هذا المقال بتوضيح تفصيلي لكل قسم منها مع ذكر نماذج وتطبيقات لفهم الروايات بشكل أفضل و أدق.

الكلمات الرئيسية: الروايات التفسيرية، التفسير الروائي، التصنيف الروائي .

١. ماجستير علوم القرآن و الحديث من جامعة القرآن و الحديث.

٢. دراسة الروايات التفسيرية لسورة آل عمران في أهمّ التفاسير الشيعية والسنية المأثورة، علي صفري، (رسالة ماجستير، تمّ الدفاع عنها في جامعة تربيت مدرّس، الأستاذ المشرف: الدكتور قاضي زاده)، ١٣٨٧ ش ١٤٢٨ هـ.